

۱۷, ۱, ۱, ۹۱۹

۱۷-۱۰۲۲

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

۱۰۲۸۸۰



دانشکده حقوق

پایان نامہ جهت اخذ درجہ کارشناسی ارشد حقوق بشر

موضوع

حق دسترسی به دانش از دیدگاه موازین حقوق بشر

استاد راهنما

جناب آقای دکتر باقر انصاری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر اردشیر امیر ارجمند

استاد داور

جناب آقای دکتر رضا اسلامی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۲۳

دانشجو

آمنہ دہشیری

تہ ۱۳۸۷

۱۰۶۸۸۰

۱ مقدمه
۹ بخش اول: مفاهیم ، مبانی و منابع حق دسترسی به دانش
۱۱ گفتار اول: مفهوم دانش و دسترسی به آن
۱۳ بند اول: مفهوم دانش
۱۳ الف) داده
۱۵ ب) اطلاعات
۱۷ پ) دانش
۱۸ ۱. دانش و عمل
۱۸ ۲. دانش و انسان
۱۹ ۳. دانش و اشتراک
۲۰ ت) علم
۲۱ دانش علمی و تعامل جهانی
۲۲ ث) تکنولوژی
۲۴ ۱. رابطه علم و تکنولوژی
۲۵ ۲. انتقال تکنولوژی
۲۷ بند دوم: مفهوم دسترسی به دانش
۲۷ الف) تعریف دسترسی
۲۷ ب) دسترسی و دانش
۲۸ ۱. دسترسی و افشا
۲۸ ۲. دسترسی و امکان استفاده
۲۸ ۳. دسترسی و زمان
۲۸ ۴. دسترسی و هزینه
۲۹ ۵. دسترسی و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات
۲۹ ۶. دسترسی و معلولیت

- ۲۹..... دسترسی و سواد اطلاعاتی.....۷
- ۳۱..... گفتار دوم : مبانی و منابع دسترسی به دانش.....
- ۳۳..... بند اول: دانش به مثابه کالای عمومی جهانی.....
- ۳۳..... الف) کالای عمومی.....
- ۳۴..... ۱. و صاف کالای عمومی.....
- ۳۵..... ۲. تأمین کالای عمومی.....
- ۳۵..... ۳. دانش و کالای عمومی.....
- ۳۶..... ب) کالای عمومی جهانی.....
- ۳۷..... ۱. اوصاف کالای عمومی جهانی.....
- ۳۸..... ۲. تأمین کالای عمومی جهانی.....
- ۳۸..... ۳. کالای عمومی جهانی و دانش.....
- ۳۹..... بند دوم: دانش و میراث مشترک بشریت.....
- ۳۹..... الف) مفهوم میراث مشترک بشریت.....
- ۴۰..... ب) انواع میراث مشترک بشریت.....
- ۴۱..... ج) دانش و میراث مشترک بشریت.....
- ۴۳..... گفتار سوم : لزوم دسترسی به دانش در منابع حقوقی.....
- ۴۵..... بند اول: لزوم دسترسی به دانش در معاهدات حقوق بشری.....
- ۴۵..... الف) میثاق حقوق مدنی و سیاسی.....
- ۴۵..... ب) میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی.....
- ۴۶..... پ) کنوانسیون حقوق کودک.....
- ۴۶..... ت) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.....
- ۴۶..... ث) منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها.....
- ۴۷..... ج) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی.....
- ۴۸..... بند دوم : لزوم دسترسی به دانش در سایر منابع حقوق بین الملل.....
- ۴۸..... الف) دسترسی به دانش در اسناد سازمان تجارت جهانی.....

- ۴۹..... ۱. تریس و دسترسی به دانش
- ۵۲..... ۲. اعلامیه دوحه
- ۵۴..... (ب) دسترسی به دانش در اسناد سازمان مالکیت فکری جهانی
- ۵۶..... ۱. پیشنهادات مربوط به اداره وایپو و دسترسی به دانش
- ۵۸..... ۲. اقدامات هنجار سازی وایپو و دسترسی به دانش
- ۵۹..... ۳. کمک های فنی وایپو
- ۶۰..... ۴. معاهده دسترسی به دانش
- ۶۱..... بخش دوم: جایگاه دسترسی به دانش در نظام حقوق بشر
- ۶۳..... گفتار اول: دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق بشر
- ۶۵..... بند اول: دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق مدنی و سیاسی
- ۶۶..... الف) حق آزادی بیان و دسترسی به دانش
- ۶۶..... ۱. حق آزادی بیان
- ۶۷..... ۲. قلمرو حق جستجو و دریافت اطلاعات
- ۶۸..... ۳. تکالیف دولت ها در قبال حق جستجو و دریافت اطلاعات
- ۶۸..... ۵. دانش و حق جستجو و دریافت اطلاعات
- ۶۹..... (ب) حق مشارکت در زندگی عمومی و دسترسی به دانش
- ۷۰..... ۱. حق مشارکت در زندگی عمومی
- ۷۲..... ۲. آزادی اطلاعات
- ۷۳..... ۳. آزادی اطلاعات و دسترسی به دانش
- ۷۵..... ۴. نتیجه گیری
- ۷۶..... بند دوم: دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی
- ۷۷..... الف) حق مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به دانش
- ۷۷..... ۱. حق مشارکت در زندگی فرهنگی
- ۷۹..... (ب) حق بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی و کاربرد آن و دسترسی به دانش
- ۷۹..... ۱. حق بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی و کاربرد آن

- ۱.۱. سهم شدن در پیشرفت های علم..... ۸۰
- ۲.۱. بهره مندی از منافع ناشی از پیشرفت های علمی..... ۸۱
۲. تامین حق بهره مندی از منافع ناشی از پیشرفت های علم..... ۸۲
- ج) حق آموزش و دسترسی به دانش ۸۳
۱. حق آموزش..... ۸۳
۲. آموزش عالی و دسترسی به دانش ۸۴
۳. آزادی آکادمیک و موانع آن..... ۸۵
۳. تعهد دولت ها ۸۶
۴. نتیجه گیری..... ۸۷
- د) حق سلامت و دانش..... ۸۸
۱. حق سلامت ۸۸
۲. تامین حق سلامت ۸۹
۳. دانش مربوط به سلامت..... ۹۰
۴. همکاری بین المللی در تحقق حق بر سلامت..... ۹۳
۵. نتیجه گیری..... ۹۳
- ح) حق غذا و دسترسی به دانش..... ۹۶
۱. حق بر غذا..... ۹۶
۲. تامین حق غذا..... ۹۷
۳. انحصار دانش و حق غذا..... ۹۸
۴. حق غذا، تعهد دولتها..... ۱۰۰
۵. نتیجه گیری..... ۱۰۱
- بند سوم: دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق همبستگی..... ۱۰۳
- الف) حق بر توسعه و دسترسی به دانش..... ۱۰۴
۱. حق توسعه..... ۱۰۴
۲. ضرورت دانش برای توسعه..... ۱۰۷
۳. امکانات حق توسعه برای دسترسی به دانش..... ۱۰۹

- اول: عدالت و انصاف..... ۱۰۹
- دوم: همکاری بین المللی..... ۱۱۰
۴. نتیجه گیری..... ۱۱۱
- ب) حق صلح و دسترسی به دانش ۱۱۹
۱. حق صلح..... ۱۱۲
۲. دانش و حق صلح ۱۱۳
۳. تعهدات نسبت به حق صلح ۱۱۵
۴. نتیجه گیری ۱۱۶
- پ) حق بر محیط زیست سالم و دسترسی به دانش ۱۱۶
۱. حق بر محیط زیست سالم ۱۱۶
۲. دسترسی به دانش و توسعه پایدار ۱۱۸
۳. حق بر محیط زیست سالم و تعهدات ۱۱۹
- گفتار دوم: دسترسی به دانش به مثابه یک حق بشری..... ۱۲۱
- بند اول: حق بودن دسترسی به دانش ۱۲۳
- بند دوم: حق بشری بودن دسترسی به دانش ۱۲۴
- بند سوم: جایگاه حق دسترسی به دانش در نظام حقوق بشر ۱۲۸
- بند چهارم: ایجاد حق دسترسی به دانش در حقوق بین الملل..... ۱۳۱
- الف) آگاهی پیدا کردن از یک مشکل و شناسایی نیازهای مربوط به آن..... ۱۳۱
- ب) برخی از این نیازها به صورت هنجارهای حقوقی مطرح شوند..... ۱۳۴
- ج) گسترش دادن ابزارهایی که به تحقق رسیدن این هنجارها را تقویت می کنند..... ۱۳۴
- گفتار سوم: موانع حق دسترسی به دانش ۱۳۶
- بند اول: مالکیت فکری و دسترسی به دانش ۱۳۸
۱. طرفداران مالکیت فکری ۱۳۸
۲. مخالفان مالکیت فکری ۱۳۹
۳. حق اختراع و دسترسی به دانش ۱۴۰

۴. اسرار تجاری و دسترسی به دانش ۱۴۲
۵. موافقتنامه های تریپس پلاس و دسترسی به دانش ۱۴۳
- بند دوم: سیاست های امنیتی و دسترسی به دانش ۱۴۴
- الف) تهدیدات نسبت به آزادی ارتباطات علمی ۱۴۵
- ب) تهدیدات نسبت به پیگیری فعالیت های علم ۱۴۵
- نتیجه گیری ۱۴۶
- فهرست منابع ۱۵۱

چکیده

آنچه دوران ما را از عصر کشاورزی و صنعتی متفاوت می کند سیطره دانش بر کلیه شئون و امور زندگی بشر است. از این روست که این دوران را عصر دانش نامیده اند. هرچند فعالیت های انسان از گذشته های بسیار دور عجین با دانش بوده است اما حدود یک دهه است که اهمیت دانش در کسب و کار اقتصادی و تأمین نیاز های اولیه بشر، بسیار پررنگ شده است.

مشکلات بشر امروز خاص اوست و هیچگاه سابقه نداشته است. مانند مشکلات ناشی از تغییرات آب و هوایی، ایجاد خشکسالی و کمبود غذا همراه با افزایش جمعیت، بیماری های صعب العلاج مقاوم به درمان و مسائل مربوط به کمبود انرژی در عین وابستگی شدید به منابع انرژی. اما راه حل این مشکلات را نیز بشر امروز از طریق دانش پیشرفته خویش می تواند ارائه کند و پاسخ به این مسائل یعنی تأمین حیات بشر و کمک به ادامه بقاء او. دانش بشری برای اینکه توسعه پیدا کند و بتواند برای مشکلات جدید جهانی راه حل ارائه دهد باید آزادانه به اشتراک گذاشته شود. دولت ها برای آنکه بتوانند تعهدات حقوق بشری خود را انجام دهند نیاز مند دسترسی به دانش هستند. انحصار دانش از طرف اشخاص عمومی یا خصوصی مانع تحقق حقوق بشر است، بنابراین انحصار دانش منجر به نقض حقوق بشر می شود.

از آنجا که مطرح شدن دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری امکانات ویژه ای را به دنبال دارد و نمی توان در مقابل دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری مانعی برقرار کرد بر آن شده ایم که به پرسش پاسخ دهیم که آیا می توان از دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری نام برد و با دادن جواب مثبت به این سوال چه از جنبه اخلاقی و چه از جنبه پوزیتیویستی، موانع موجود بر سر راه تحقق دسترسی آزادانه به دانش و تأمین حقوق بشری مرتبط با آن نیز مورد توجه قرار گرفته اند.

مقدمه

در هر عصری متناسب با اینکه چه مقوله‌ای نقش کلیدی‌تری در زندگی افراد هر اجتماعی بازی می‌کند، جامعه‌ای هماهنگ و مبتنی بر چارچوب‌ها، الزامات و مسایل آن شکل می‌گیرد. تا گذشته‌ای نه‌چندان دور، ما شاهد وجود "جامعه کشاورزی"^۱ بودیم (که البته هنوز هم در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد). با رشد جمعیت جهان و افزایش نیازهای مردم همراه با تمایل افراد به افزایش رفاه و ثروت، توسعه صنعتی به سرعت کشورهای مختلف، به خصوص کشورهای غربی و بعد کشورهای جنوب شرق آسیا، را فرا گرفت و در نتیجه به ظهور "جامعه صنعتی"^۲ در جهان انجامید.^۳

با پیشرفت گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان به خصوص اینترنت، و فزونی یافتن اهمیت "اطلاعات" در زندگی و کسب‌وکار افراد، به مرور شاهد ظهور "جامعه اطلاعاتی"^۴ در کشورهای پیشرو هستیم. به تعبیر ساده، "جامعه اطلاعاتی" جامعه‌ای است که اطلاعات (دسترسی، جریان، تبادل، مدیریت، پردازش، و استفاده از آن)، نقشی اساسی در زندگی افراد آن جامعه در حوزه‌هایی مانند کسب‌وکار، خدمات اجتماعی، رفاه، تفریحات، روابط، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع بازی می‌کند. در جامعه اطلاعاتی افراد در تمامی تعاملات، مراحل و فرآیندهای زندگی خود، وابسته به اطلاعات هستند. امروز "اقتصاد اطلاعاتی"^۵ نیز برپایه اشاعه گسترده فناوری اطلاعات در جوامع مختلف شکل گرفته است.^۶

اگرچه فعالیت‌های انسان از گذشته بسیار دور، عجین با دانش بوده است، اما حدود یک دهه است که با تشدید اهمیت دانش در کسب‌وکارها و اقتصادهای نوین، در اثر بروز و استفاده گسترده از فناوری‌های مختلف، به خصوص فناوری‌های برتر^۷ از یک طرف و از طرف دیگر تسهیلات گسترده‌ای که فناوری اطلاعات در زمینه مدیریت دانش و انتقال دانش فراهم ساخته است، هنوز قبل از اینکه جوامع اطلاعاتی به طور کامل شکل بگیرند، شاهد ظهور مفهوم "جامعه دانشی"^۸ یا دانش‌بنیان هستیم. این مفهوم به جوامعی اطلاق می‌شود که دانش نقش بنیادینی در بخش‌های مختلف آنان بازی می‌کند. به تعبیر دیگر دانش عنصر اساسی سازنده و شکل‌دهنده محتوای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع آنان است.^۹

¹ Agriculture society

² Industrial society

^۳ نک آلون تافلر، موج سوم، مترجم شهین دخت خوارزمی، انتشارات علم، ۱۳۸۵.

⁴ Informational society

⁵ Information economy

^۶ امانوئل کاستلر، عصر اطلاعات، جلد اول ظهور جامعه شبکه‌ای، مترجمان احد علیقلیان و افشین خاکباز، طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۵۷.

⁷ High tech

⁸ knowledge society

⁹ see Toward Knowledge Societies, UNESCO world report 2005; at: www.unesco.org/publications.

برای اولین بار پل رومر اقتصاددان برجسته دانشگاه استنفورد، نظریه "رشد نوین" خود را در برابر نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ارایه کرد. او تصریح کرد که برخلاف نظریه اقتصادی نئوکلاسیک که در آن "نیروی کار" و "سرمایه" نقش کلیدی در تولید بازی می‌کنند، "دانش" به عنوان عامل سوم، نقش اساسی‌تری در اقتصادهای پیشرفته ایفا می‌نماید. رومر اظهار داشت که دانش، یکی از قالب‌های اساسی سرمایه است و رشد اقتصادی پایدار و درازمدت تنها از این طریق اتفاق می‌افتد.^{۱۰}

پس از این مقدمات این سؤال مطرح می‌شود که چرا دانش امروزه از چنین جایگاه رفیعی برخوردار است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان دو دلیل را بیان کرد:

۱. سیطره دانش بر زندگی بشر: در دورانی به سر می‌بریم که بشر با مشکلات فراوانی روبه روست مشکلاتی که خاص این دوران است و قبل از آن سابقه نداشته است. ولی انسان این دوران توانسته با استفاده از علم و دانش برای این مشکلات راه حل پیدا کند. برخی از این مشکلات عبارتند از کاهش ذخایر طبیعی و جمعیت رو به افزایش جهان، آلودگی محیط زیست، موجودات در خطر انقراض، کاهش منابع انرژی و آب سالم، افزایش دمای زمین و احتمال به زیر آب رفتن ده‌ها شهر و کشور و بروز و شیوع بیماری‌های مسری و خطرناک مانند ایدز.

در این زمان دانش بشر جهت تولید انواع فراورده‌های غذایی دستکاری شده از طریق گیاهان پر محصول و مقاوم در برابر کمبود آب، داروهای نو ترکیب، تجهیزات نانویی و رباتیک، استفاده از منابع جدید انرژی و سازگار با محیط زیست سبب سیطره علم به زندگی بشر گردیده است. بنابراین به اقتضای شرایط کنونی جهان، دانش جدید وارد زندگی بشر شده و به اقتضای همین شرایط دیگر زندگی بشر بدون این دانش جدید امکان پذیر نیست. روزگاری علم و دانش برای کشف اسرار طبیعت تلاش می‌کرد اما امروزه علاوه بر کشف رازهای طبیعت، دانش ثروت و رفاه به ارمغان می‌آورد و می‌تواند بشریت را به جایی برساند که ناآرامی و تنش‌های سیاسی و اجتماعی را در آن راه نباشد و نابرابری‌های اجتماعی به حداقل برسند.

۲. دانش و قدرت: اکنون که بیش از هر چیز دیگری زندگی انسان وابسته به دانش است پس دانش بیش از هر چیز دیگری ارزش دارد. شعار "توانا بود هر که دانا بود" به عنوان یک اصل در دنیا مطرح است و به صورت "دانش قدرت است"^{۱۱} جای خود را در ادبیات سیاسی اقتصادی و حتی فرهنگی جهان باز کرده است. علم عنصر اساسی تعالی انسان، پیشرفت، توسعه، رفاه و سعادت‌مندی بشر و در عین حال سبب قدرت و تولید سرمایه و تجارت است. در این عصر دانش ثبت می‌گردد و اختراعات به فروش می‌رسند. اگر جامعه‌ای توانایی تولید یا خرید دانش مورد نیاز خود را نداشته باشد علاوه بر محروم ماندن از قدرت در اختیار داشتن

^{۱۰} کیت گریفین، راهبردهای توسعه اقتصادی، حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۲۴.

^{۱۱} knowledge is power

دانش از بر آوردن نیازهای اولیه مردمانش نیز باز می ماند زیرا که زندگی امروزه انسان با دانش و علوم جدید گره خورده است.

با گذشت زمان و کشفیات بیشتر و افزایش دانایی انسان در علوم تجربی ارتباط و تلفیق بین علوم بیشتر شد به نحوی که با همکاری سه یا چند علم، علوم و فناوری های نوینی ابداع گردیدند که کاربرد های بسیار مفید و در عین حال گسترده ای داشتند. به عنوان مثال از تلفیق زیست شناسی، میکرب شناسی، ایمنی شناسی، رایانه، مهندسی پزشکی و مهندسی شیمی، فناوری نوینی به نام فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) ابداع گردید. به این نوع علوم و فنون به دلیل گستره کاربردهای آن در بهداشت و درمان، کشاورزی و دامپروری و تغذیه، صنایع مختلف و محیط زیست "فناوری های نوین" گفته می شود. مهمترین فناوری های نوینی که واجد اهمیت بسیار زیادی هستند و تقریباً تمام کشورهای جهان آنها را در برنامه راهبردی توسعه همه جانبه خود قرار داده اند عبارتند از:

فناوری زیستی (بیوتکنولوژی)، ریزفناوری یا نانوتکنولوژی، فناوری اطلاعات، هوافضا، میکروالکترونیک، مواد جدید، هسته ای، لیزر، رباتیک، پزشکی مولکولی، سلول های بنیادین و شبیه سازی.

ارزش افزوده بسیار زیاد، کیفیت بالا، سهولت استفاده از این فناوری ها در ابعاد غیر نظامی و دفاعی و حضور محصولات مفید این فناوری ها در بازارهای جهانی رقابت شدیدی را در بین کشورهای پیشرفته واجد این فناوری ها و کشورهای در حال توسعه که اکثراً مصرف کننده محصولات این فناوری ها هستند ایجاد نموده است.

این فناوری ها به شدت دانش محور می باشند و به همین دلیل با استفاده از تعدادی متخصص مجرب و فنی امکان ایجاد واحد تولیدی برای این محصولات بسیار ارزشمند وجود دارد. هرچند این فناوری ها به دلیل بهره برداری از فناوری های پیشرفته گران می باشند و راه اندازی آن ها نیازمند داشتن دانش عمیق پایه، مهندسی و همکاری بین رشته های مختلف علمی است ولی راه اندازی صنایع مرتب با آن سبب توسعه اقتصادی و استقلال در عرصه های مختلف می گردد. از این رو کشورهای در حال توسعه اگر می خواهند که شکاف علمی و فناوری بین خود و کشورهای توسعه یافته را کم عمق کنند باید به این علوم و فناوری های دست پیدا کنند. زیرا دارندگان این دانش ها در جهان دارای قدرت هستند و می توانند نیاز های انسان امروز را مرتفع کنند.

شاید در هیچ دوره ای از تاریخ زندگی بشر دسترسی آزادانه به دانش و یا در مقابل آن انحصار دانش اینچنین بر سرنوشت انسانها تأثیر گذار نبوده است. اگر به تاریخ ادیان و تمدنهای بزرگ بشری نگاه کنیم می بینیم که

هیچگاه مالکیت و انحصار دانش مطرح نبوده است.^{۱۲} دانش هدیه ای بوده از جانب خدا که به همگان تعلق داشته است.

در یونان باستان عقیده بر این بود که شاعران کلمات خدایگان را بیان می کنند و شعر آفرینش آنها نیست. توانایی آشکار کردن و بروز دادن این کلمات هدیه ای بود از جانب الهه شعر و موسیقی^{۱۳} که به فرد شاعر عطا شده بود. افلاطون بر این باور بود که همه ایده ها و افکار از بدو تولد در ذهن انسان قرار دارند و در واقع ذهن مکانی است که ایده ها از روح قبلی به آن انتقال پیدا می کنند. از نظر یونانیان دانش نمی توانست تملیک یا فروخته شود. سقراط سوفسطاییان را به دلیل اینکه به خاطر معرفتشان پول — می گرفتند مورد شماتت قرار می داد.^{۱۴}

در ادبیات چین باستان در مجموعهٔ *منتخبات قطعات ادبی* که در قرن پنجم قبل از میلاد جمع آوری شده این نقل قول از کنفسیوس آمده است: «من بیشتر از آنکه بیافرینم انتقال می دهم». در چین میزان بزرگی یک دانشمند از طریق نوآوری ها و آفرینش های او سنجیده نمی شد بلکه توانایی او در انتقال و تفسیر خرد باستان معیار بزرگی او بود. خرد از گذشته بود و یک دانش آموختهٔ چینی آنرا از خاک بیرون می آورد و سپس حفظ و منتقل می کرد. در چین مؤلفان مهارتهای خود را برای رساندن خود و دیگران به رشد و تعالی معنوی به کار می بستند.^{۱۵}

در کتاب مقدس مسیحیان انجیل آمده : «آزادانه به دانش رسیده اید پس آنرا آزادانه ببخشید.»^{۱۶} در فرهنگ و تمدن اسلامی نیز تملک و خرید و فروش دانش سابقه نداشته است. در روایات اسلامی آمده است که: «هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم آن است که به اهلش یاد بدهی.»^{۱۷}

تفکر تملک و انحصار دانش از زمانی وارد ادبیات حقوقی شد که در قرن هفدهم این تفکر به وجود آمد که دانش هدیه ای از جانب خدا نیست بلکه محصول شعور و حواس بشری است و تفسیری است از طبیعت. از این رو بین دانش و آفریننده بشری او رابطه ای برقرار شد و گفته شد که آفریننده شخصیت خود را در اثرخود تزریق می کند و حق طبیعی مالکیت شامل مالکیت یک شخص بر ایده ها و آفرینش های او نیز می شود.^{۱۸} سپس برای اینکه افراد مبتکر و خلاق انگیزه ادامهٔ فعالیت و ممری برای ادامه زندگی داشته باشند علاوه بر حقوق معنوی، برای آنها نسبت به ابتکارشان حق مادی نیز مستقر شد.

¹² C Hesse, *The Rise of Intellectual Property* 700 B.C.—A.D. 2000 : An Idea in The Balance, Daedalus, 2002, p.27.

¹³ muses

¹⁴ Ibid.

¹⁵ William P. Alford, *To Steal a Book is an Elegant Offense: Intellectual Property Law and Chinese Civilization*, Stanford University Press, 1995, pp 25–29.

¹⁶ C Hesse, *op.cit.*, p.28.

¹⁷ امام صادق (ع)، بحارالانوار، جلد هفدهم، جلد دوم، ص ۲۲۰.

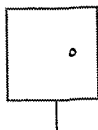
¹⁸ Ibid, pp.26-46.

از این رو بود که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به حمایت از منافع مادی و معنوی مؤلف و مخترع و هنرمند که از آثار خلاقانه او ناشی می شود توجه شده است. اما آنچه امروزه تحت عنوان نظام مالکیت فکری مطرح است امتیازهایی است که به موجب قانون به افراد حقیقی و حقوقی داده می شود و این امتیازهای قابل خرید و فروش و ابطال هستند. به این ترتیب حقوق مالکیت فکری موجود از خصوصیات یک حق طبیعی غیر قابل سلب و ازلی و ابدی برخوردار نیستند.

در اعلامیه حقوق بشر در کنار توجه به حق مبتکر و مولف نسبت به تألیف و اختراع به حق بهره مندی بشریت از منافع ناشی از پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی نیز توجه شد. اما با ایجاد نقش کلیدی دانش در مناسبات، اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده دانش رفته رفته حق بهره مندی بشریت از منافع ناشی از علم و تکنولوژی را فراموش کردند و با استقرار قواعد سختگیرانه مالکیت فکری راه را بر انتقال و دسترسی به دانش بستند. علاوه بر قواعد سختگیرانه مالکیت فکری امروزه از حربه ها و بهانه های سیاسی و امنیتی نیز برای محدود کردن دسترسی برابر و آزادانه به دانش نیز استفاده می شود.

در این نوشتار به دنبال آنیم تا ضرورت دسترسی به دانش را برای داشتن یک زندگی توأم با کرامت بشری در دنیای امروز مورد بررسی قرار دهیم و بعد از روشن شدن رابطه بین دسترسی به دانش و حفظ کرامت به امکانات و راه حل هایی که حقوق بشر برای تأمین دسترسی آزادانه به دانش در اختیار بشر می گذارد خواهیم پرداخت. بنابراین می توان به طور خلاصه بیان داشت:

- بشر امروز برای زنده ماندن و داشتن زندگی با کرامت به دانش جدید نیاز دارد.
- دانش بشری برای اینکه توسعه پیدا کند و بتواند برای مشکلات جدید جهانی راه حل ارائه دهد باید آزادانه به اشتراک گذاشته شود.
- دولتها برای آنکه بتوانند تعهدات حقوق بشری خود را انجام دهند نیاز مند دسترسی به دانش هستند.
- انحصار دانش از طرف اشخاص عمومی یا خصوصی مانع تحقق حقوق بشر است بنابراین انحصار دانش منجر به نقض حقوق بشر می شود.
- مطرح شدن دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری امکانات ویژه ای را به دنیا دارد به این ترتیب که در مقابل حق دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری نمی توان مانعی برقرار کرد.
- آنچه در اسناد حقوق بشری تحت عنوان حقوق پدید آورندگان و مخترعان آمده یک حق بشری است و با نظام حقوق مالکیت فکری ای که امروزه در جهان برای دسترسی آزادانه به دانش مانع ایجاد کرده متفاوت است.



سوالات پژوهش:

سؤال اصلی:

آیا دسترسی به دانش یکی از حقوق بشری است؟

سوالات فرعی:

۱. دانش چیست؟

۲. دسترسی به دانش به چه معناست؟

۳. موازین حقوق بشری مرتبط با دسترسی به دانش کدامند؟

۴. آیا دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری به لحاظ تئوریک قابل توجیه است؟

۵. اگر دسترسی به دانش یک حق بشری قابل دفاع باشد در کدام نسل از نسل های حقوق بشر جای می گیرد؟

۶. در دنیای امروز چه موانعی در برابر دسترسی به دانش وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

به نظر می رسد دسترسی به دانش یکی از حقوق بشر است.

فرضیه های فرعی:

۱. مفهوم دانش عام تر از مفاهیمی همچون داده، اطلاعات، علم و تکنولوژی است و در بردارنده تمام این مفاهیم است.

۲. دسترسی به دانش زمانی محقق می شود که دانش مخفی نماند و در یک زمان معقول با قیمتی مناسب امکان دستیابی به آن از طرق مقتضی وجود داشته باشد به نحوی که بتوان این دانش را در عمل به کارگرفت و منعی برای استفاده از آن وجود نداشته باشد.

۳. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی صراحتاً حق بشر در بهره مندی از پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی مورد تأکید قرار گرفته است. به علاوه بسیاری از حقوق بشری شناسایی شده در منشور حقوق بشر و در رأس آنها حق حیات در صورتی محقق می شوند که امکان دسترسی آزادانه به دانش وجود داشته باشد.

۴. به نظرمی رسد دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری از لحاظ تئوریک قابل توجیه باشد.

۵. اگر دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری مطرح شود، می تواند به عنوان یک حق بشری نسل سومی در گروه حقوق همبستگی مورد حمایت قرار گیرد.

۶. در جهان امروز قواعد رو به گسترش و سختگیرانه مالکیت فکری و مسائل امنیتی و سیاسی بزرگترین موانعی هستند که در برابر دسترسی آزادانه به دانش قرار دارند.

ضرورت و اهمیت موضوع و هدف پژوهش

انحصار دانش این قدرت را به دارنده خود می دهد که بقیه را تحت سیطره درآورد و زمام امور مادی و معنوی آنها را در اختیار بگیرد. امروزه برای استعمار و استثمار شیوه های جدیدی وجود دارد، با جلوگیری از بسط و گسترش دانش و تبعیض علمی مانع از دستیابی کشورها به دانش می شوند و کشورهای فاقد "دانش روز" از هر جهت به دارندگان آن وابسته می مانند.

از آنجا که ادامه حیات بشر به طور مستقیم (مانند سلامت و بهداشت و غذا) و به طور غیر مستقیم (مانند توسعه، رشد اقتصادی) و زندگی با کرامت انسان (مانند حق آموزش و مشارکت در زندگی فرهنگی) در گرو دسترسی به دانش است می توان گفت که انحصار دانش موجب بی حرمتی به کرامت و تمامیت بشری است. زیرا تحقق حقوق بنیادین بشری را با مانع رو به رو می کند.

شکاف دانشی^{۱۹} به وجود آمده در برخی کشورها به مرگ و میر و قحطی انجامید. از این رو بود که امروزه گوشه و کنار جهان صدا هایی بلند شده اند که خواهان دسترسی آزادانه به دانش و از میان رفتن موانع دسترسی به دانش به خصوص برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته هستند. این صداها اگرچه ابتدا از جوامع مدنی به گوش رسید ولی با پیوستن کشورهای در حال توسعه صدای این جریان طنینی محکم تر گرفت. تلاشهای کشورهای در حال توسعه در سازمان مالکیت فکری منجر به پیشنهاد معاهده دسترسی به دانش شد که در حال حاضر در مرحله پیش نویس است و در سازمان تجارت جهانی نیز منجر به تصویب اعلامیه دوحه شد.

هرچند استفاده از ادبیات حقوقی بشری برای تأمین دسترسی به دانش به طور جسته و گریخته از سوی برخی از حقوقدانان مطرح شده است اما با توجه به فحوص و جستجویی که در زمان نوشتن این پایان نامه صورت گرفت برای نویسنده محرز شد که تا به حال با نگاه حقوق بشری و تفصیلی در مورد دسترسی به

¹⁹ Knowledge divide

دانش از نظر موازین حقوق بشری و جایگاه دسترسی به دانش در نظام حقوق بشر پژوهشی جدی و مستقل صورت نگرفته است.

روش تحقیق

روش کار در این پژوهش، توصیفی و کتابخانه ای است و ابزار آن فیش برداری است. اسناد مختلف حقوق بشر و حقوق بین الملل از منابع مهم این تحقیق می باشد.

سازمان دهی پژوهش

این پایان نامه در دو بخش نوشته شده است. که هرکدام از سه گفتار تشکیل شده است.

در بخش اول تحت عنوان "مفاهیم، مبانی و منابع دسترسی به دانش" پس از شرح "مفاهیم" کلیدی پژوهش و "مبانی" ای که می توان برای توجیه دسترسی آزادانه به دانش، از آنها سود برد به یک دید روشن از موضوع پژوهش خواهیم رسید. پس از آن در گفتار سوم بخش اول جایگاه دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری در "منابع" حقوق بین الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از میان منابع حقوق بین الملل معاهدات و عرف به دلیل اهمیت بیشتر به طور خاص مورد توجه هستند به علاوه اینکه طرح موضوع دسترسی به دانش به عنوان یک حق در محافل حقوقی سابقه چندانی ندارد تا بتوان رویه قضایی و یا دکتربین درمورد آنها یافت.

عنوان بخش دوم "جایگاه دسترسی به دانش در نظام حقوق بشر" است. در گفتار اول تحت عنوان "دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق بشر" ضرورت دانش برای تحقق حقوق بشر در ارتباط با نسل های اول، دوم و سوم مورد توجه قرار می گیرد.

سپس در گفتار دوم تحت عنوان "دسترسی به دانش به مثابه یک حق بشری" به مبانی اخلاقی حق دسترسی به دانش به عنوان یک حق بشری می پردازیم. در گفتار سوم با عنوان "موانع حق دسترسی به دانش" موانعی که در جهان امروز در برابر دسترسی به دانش وجود دارند بررسی می شوند، که عمده ترین موانع از نظام حقوق مالکیت فکری و مسائل سیاسی، امنیتی ناشی می شود.



ارتباط تنگاتنگ بین زندگی بشر و دانش باعث شده است که در مباحث حقوقی و به خصوص حقوق بشری مسائلی همچون نگرانی از دسترسی نابرابر به دانش، انحصار دانش و آپارتاید علمی مورد توجه قرار گیرند و همزمان با آن برای ایجاد فضایی که در آن دسترسی آزادانه به دانش ممکن باشد راه حل هایی اندیشیده شود.

در این پژوهش در پی آنیم که با این تلاشها آشنا شویم اما قبل از ورود به بحث مانند هر تحقیق علمی دیگری لازم است تا مفاهیم کلیدی پژوهش و مفاهیم همجوار آنها در قسمت مربوط به مفاهیم مشخص و روشن تعریف شوند. در این پژوهش نیز ضروری است روشن شود منظور از دانش در بحث دسترسی به دانش چیست؟ دسترسی به دانش به چه معناست؟ آیا مفاهیم دیگری نیز معنای دانش را در بر دارند؟

پس از گفتار اول و پرداختن به مفاهیم در گفتار دوم به مبنای دسترسی آزادانه به دانش می پردازیم. در این گفتار به دو مبنای کالای عمومی بودن دانش و میراث مشترک بشری بودن آن می پردازیم زیرا نتیجه پرداختن به این دو مطلب آن است که آزاد بودن در ذات دانش است و به خاطر آنکه دانش پیشرفت کند لازم است که اهلش به آن دسترسی داشته باشند.

در قسمت منابع از سنت پوزیتیویستها پیروی می کنیم و رد پای شناسایی لزوم دسترسی به دانش را در منابع حقوق بین الملل با تأکید بر عرف و معاهدات بین المللی جستجو می کنیم. از آنجا که اعمال و اقدامات سازمان های بین المللی می توانند به عنوان عناصر تشکیل دهنده عرف مورد توجه قرار گیرند فعالیتها و اقدامات این سازمان ها در جهت تأمین دسترسی آزادانه به دانش نیز در بحث منابع حق دسترسی به دانش مطالعه می شوند.

